

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نشریه آذرخش

غربی ها

با سلاخی در «غزه»

به پیشواز سال نو عیسوی رفتند

استعمار و دست نشانده های شان درین واپسین سال های اولین دهه قرن ، دست بازر سلاخی توده های ملیونی دارند. هرآنجائی که منافع اقتصادی ، سیاسی و ستراتیژیک شان حکم نماید ، بهانه ای به دست می آورند و یا هم شرایط را طوری آماده می سازند تا اوضاع در نقطه مشخصی در جهان متشنج و انفجاری شده و آنها به عنوان «دایه های مهربانتر از مادر» در آنجا «مداخله بشری» نموده و بر جریان حرکت رویدادها حاکم شوند. از مثال های اخیر قرن بیست که بگذریم ، اشغال عراق و افغانستان در سپیده دم قرن بیست و یک ، شاهد ادعا بوده و نشان می دهد که شیوه عملکرد جنگ افروزانه امپریالیزم یکسان است و این فقط موقعیت جغرافیائی و نوع رژیم در مملکت عمداً تضعیف شده و شامل برنامه تصرف و اشغال است که متفاوت می باشند. ولی در فلسطین اشغالی که میراث طرحهای استعماری آغاز نیمه دوم قرن گذشته است ، برخورد به مسایل طور دیگری است. در آن سرزمین مردان ، زنان و کودکان دلیر ، اسرائیل صهیونیستی بمثابة ستون پنجم اضلاع متحده امریکا و یا هم پنجاه و یکمین ایالت آنکشور بیداد می کند. و وقتی از بیداد سخن می رود ، این کلمه در کنش و واکنش دولت و ارتش کشور نامنهاد اسرائیل در برابر فلسطینی ها ، معنی و مفهوم کامل خود را می یابد. و بر اساس همین واقعیت می توان ادعا کرد که مبارزه مردم مظلوم و محبوس فلسطینی ، عادلانه ترین مبارزه خلق ها در شرایط فعلی کره زمین می باشد.

سنگ غیظ و غضب کودکانی که تنها خورد و نوش عادی بلکه کودکی شان ، سوادآموزی و تعلیم و تربیه ابتدائی شان و نوجوانی و تعیین سرنوشت فردی شان هم از آنها به یغما برده شده است ، با مرمی توپ صهیونیزم پاسخ داده می شود. مردم رزمنده فلسطین که در مقابل دولت صهیونیستی - این هارترین سگ زنجیری امپریالیست های غربی به سردمداری امریکا - قریب به شش دهه است با دستان خالی مقاومت می نمایند ، در جریان این مبارزه طولانی از یکطرف متأسفانه ملعبه دست دول مرتجع عرب قرار گرفته و متعاقب و یا همزمان با آن ، وسیله جورآمدهای رهبران خائن آن در معامله با امپریالیزم امریکا و متحدین آن شدند. خیانت تاریخی انورالسادات ، کرنش و تسلیم طلبی را به عرفات به میراث گذاشت که نتایج خانمانسوزان تا امروز بوسیله حسنی مبارک ، محمود عباس و همدستان شان بر مردم مظلوم و درمانده فلسطین تحمیل می شود. ولی این تنها یک روی مصیبت است. روی دیگر

آن گیر بودن مردم فلسطین در قبضه تاریک اندیشان اسلامیت به رهبری «حماس» است که با وجود سمت‌دهی نیروی مبارزاتی عناصر شجاع و مبارز فلسطینی، آن نیروی عظیم را برای توجیه اندیولوژی منحط بنیادگرایی اسلامی و در خدمت حامیان خارجی خود به تحلیل می‌برد. مگر علاوه بر دشمن مشترک صهیونیستی، رهبران ارتجاعی فلسطینی (عمدتاً «فتح» و «حماس») در ریختن خون فلسطینی‌ها مسئولیت بزرگ تاریخی دارند. زمانی که «تسهال» (ارتش متجاوز صهیونیستی) به بمباران کور دست می‌زند و به کمک سرویس استخباراتی «موساد» و اجیران خودفروخته فلسطینی، بر موتر حامل افراد از هلیکوپتر با راکت آتش می‌نماید، در آن لمحہ دیگر تفاوتی میان عضو «فتح»، عضو «حماس»، فلسطینی عیسوی مذهب، فلسطینی غیرمذهبی و فلسطینی غیرسیاسی نمی‌باشد. این فقط فلسطینی است که به بیرحمانه‌ترین و وحشی‌ترین شکلی که فقط مظالم آلمان نازی می‌تواند با آن مقایسه شود، به خاکستر یکسان می‌شود. و در برابر چنان وحشت و بربریت، جهان «متمدن» و مدعیان «حقوق بشر» و «جهان آزاد» در مجموع به تماشا نشسته و سردمداران آن جام‌های مملو از «خون فلسطینی‌ها» را به سلامتی صهیونیست‌ها بلند می‌کنند...

این چیزی بود که در ۲۷ دسامبر سال گذشته (در فاصله میان جشن میلاد مسیح و جشن سال نو عیسوی) به وقوع پیوست. با چراغ سبز از طرف امپریالیزم امریکا و متحدین غربی آن، و با سکوت منفعلانه دول مرتجع عرب، رهبران سفاک اسرائیلی، «باریکه غزه» - این محبس بی‌در و دیوار فلسطینی‌ها - را چنان آماج انتحاری قرار دادند که نه بر مردم بیگناه ملکی رحم نمودند، نه بر پیره زن و پیرمرد و نه هم بر کودک شیرخوار.

آن یورش مسلحانه و سبعانه که مدت سه هفته شب و روز ادامه داشت، به بهانه انتقام از فیر راکت‌های خانه ساخت فلسطینی‌ها که از شمال «باریکه غزه» بر جنوب اسرائیل آتش می‌شدند، صورت گرفت. جهان غرب و دول مرتجع آستانبوس آن همواره در محکوم نمودن فیر راکت فلسطینی‌ها از خود شتاب نشان داده‌اند و در اولین دقایق چنان رویدادی، صدای اعتراض بلند می‌کردند ولی در برابر اعمال غیرانسانی ارتش اسرائیلی و نابرابر بودن مفتضاحانه چنین جنگی، سکوت نموده و هیچیک از آن دول به اصطلاح متمدن، اعمال ضد انسانی صهیونیست‌ها را محکوم ننمود.

جنگ نابرابری که در جریان آن ننتها ارتش فاشیستی اسرائیل بر عمارات مسکونی و خانه‌های فلسطینی‌ها - بافهم کامل اینکه افراد بیگناه ملکی در آنجا پناه برده بودند - راکت می‌فرستاد و ده‌ها و صدها نفر را زنده سوختانده در زیر آوار منازل شان مدفون می‌ساخت بلکه راه فرار افراد ملکی را که از عمارات به جاده‌ها ریخته و در صدد فرار می‌بودند، هم بسته و آنها را در معرض آتش توپخانه زمینی و هوایی قرار می‌داد.

وحشت و دهشت عریان و بدون کفیری را که صهیونیست‌ها با پشتیبانی حامیان غربی و همکاری همدستان منطقه‌ئی شان بر مردم بیدفاع فلسطین اعمال می‌دارند، بدترین شکل نقض حقوق بشر در دنیا است ولی وقاحت امپریالیزم به میزانی است که آنهمه کشتار بیرحمانه و فاشیستی رادر پرده سکوت پیچانده و بازم بابی شرمی غیرقابل باور از «حق دفاع مشروع اسرائیل» و «تلاش برای صلح» حرف می‌زند.

فقط نیروهای مترقی و واقعاً انقلابی فلسطینی در پیوند با نیروهای همسان در منطقه و جهان، قادر خواهند بود تا پوزة صهیونیزم - این دشمن آشکار بشریت - را به خاک بسایند.

به امید چنان روزی!